

علیه بیکاری

www.a-bikari.com

شماره ۵۱ جمعه ۲۲ آذر ۱۳۹۸

به "علیه بیکاری" پیوندید!

علیه بیکاری فعالیت سازمانی و هیچ گونه تشکیلاتی در ایران ندارد. اما خواهان آن است و اکیدا از فعالین این عرصه میخواهد با نشریه علیه بیکاری تماس داشته باشند. نشریه علیه بیکاری میخواهد آینه تمام قد "عفریت بیکاری" و سخنگوی شایسته جنبش "علیه بیکاری" در ایران، عصای دست فعالین کارگری در تمام عرصه های فعالیت آنها و تسمه نقاله انتقال تجارب و نقطه نظرات این فعالین باشد.

صفحه ۲

در آذر ماه خورشید دو بار طلوع کرد ...



بار اول در خیزش ده ها شهر و با خواست نان و آزادی، و بار دوم در اعتراضات دانشگاه ها و با طنین: "فرزند کارگرانیم، در کنارشان میمانیم!"؛ بار اول در جنگ و گریز نابرابر در خیابانها، و بار دوم در فستیوال پرولتاریایی در دژ "آزادی و برابری" ایران!

صفحه ۵

صفحه ۵

مضحکه یارانه ای علیه معیشت طبقه کارگر

به "علیه بیکاری" پیوندید!

حلهای فردی نوپید ساخته و و اکنون همه چیز و همه کس او را مجبور میکند که اگر بخواهد زنده بماند به مبارزه ای عمومی و متشکل بر علیه بیکاری بپیوندد. ما فعالین جنبش علیه بیکاری باید از این طریق از یکسو با سازماندهی و پیشبرد مبارزه کارگران، گامهای بلندی در بهبود وضع معیشت طبقه کارگر برداریم و بورژوازی را با بحران عمیقتری مواجه سازیم و هم در خلال مبارزه، کارگرانی را که به نجات خود از گرسنگی می اندیشند به پرولتراهای آگاه تبدیل کنیم که نجات بشریت از فقر و گرسنگی را هدف خود قرار داده اند و به کمونیسم به عنوان علم مبارزه طبقاتی باور پیدا کنند.

به عنوان یک سنگ بنای مبارزاتی لازم است تاکید کرد که مبارزه علیه بیکاری بطور خودبخودی تنها در اثر فشار اقتصادی اوج نخواهد گرفت و سرکوب خواهد شد. دشمن بیدار و قسی القلب است و کارگران فاقد ملزومات ذهنی لازم. اگر ما کمونیستها فعالانه در این مبارزات دخالت نکنیم انتظار هیچ چیز را جز وخیم تر شدن اوضاع نباید داشته باشیم.....

واماچه باید بکنیم؟

ما خواهان شکل گیری یک جنبش قدرتمند سراسری علیه بیکاری متشکل از کارگران شاغل و بیکار هستیم که در شوراهای بیکاران محلات سازمان یافته است. البته ما از کارگران و پیشروانی که در سایر جبهه های نبرد طبقاتی تلاش میکنند، نخواستیم و نمیخواهیم که فعالیت خود را تعطیل کنند و به مساله بیکاری بپردازند. آنچه از آنها میخواهیم اینست که به این نکته توجه کنند که خصلت طبقاتی مساله بیکاری آنچنان است که امکان میدهد مبارزه علیه بیکاری به دستور کار شوراهای سندیکاها و سایر تشکلات مبارزاتی کارگران اضافه شود بدون اینکه با وظیفه اصلی آنان مغایرتی داشته باشد. آنچه ما میخواهیم شرکت فعال شان در این مبارزه و پشتیبانی از "علیه بیکاری" است.

هدف ساختن شوراهای بیکاران، ایجاد یک ارگان اعمال اراده مستقیم توده ای است که بتواند به بهترین نحو از نان و آزادی کارگران دفاع نماید و در حیطه قلمرو قدرت خود قادر به حفظ و تامین آن باشد، تا کارگران و زحمتکشان بتوانند با استفاده از این ابزارها و امکانات مبارزات خود تا برقراری حکومت کارگری را به آسانترین وجه ممکن به پیش ببرند.

شوراهای بیکاران و هسته مرکزی از عناصر زنده

شوراهای بیکاران یکی از ارگانهای قدرت توده ای است که درکنار شوراهای انقلابی و تشکلهای توده ای میتوانند سهم عمده ای در دفاع از نان و آزادی، حفظ و تامین آن برای کارگران و زحمتکشان ایفا کنند. واقعیت تجربه فعالین عملی کارگری گواه این است که ایجاد ارگانهای قدرت توده ای کار ساده ای نیست و

مبارزه ای که ما شما را به شرکت فعال در آن فرا میخوانیم، مبارزه علیه بیکاری است؛ مبارزه در راه حل مساله معیشت میلیونها کارگر بیکار و گرسنه است. مبارزه برای ایجاد شوراهای بیکاران در محلات کارگری است. هدف اصلی ما تقویت صف مستقل و متحد طبقه کارگر در کشمکشهای حاد و تعیین کننده جامعه است. ما میخواهیم طبقه کارگر به نقش تعیین کننده خود در تغییر وضعیت جهانی موجود باور کند، متشکل شود و به میدان بیاید. ما معتقدیم آمادگی کارگران جز در بطن و متن مبارزه واقعی مقدور نیست.

مبارزه علیه بیکاری، مبارزه ای واقعی و تعطیل نشدنی بر سر ابتدایی ترین و مسلم ترین حقوق کارگران یعنی حق زنده ماندن است. در این مبارزه، کارگران هر اندازه متوهم باشند و بورژواها هر اندازه عوامفریب، مجبورند در دو جبهه مخالف هم قرار بگیرند. این مبارزه ای است که کشاندن توده عظیم کارگر و زحمتکش به سمت آن، به حداقل کار اقناعی نیازمند است. این مبارزه ای است که شرایط عینی و واقعی زندگی، کارگران را فوج فوج به سمت آن سوق میدهد. این مبارزه ای است که اهداف روشنش به سادگی خدشه بردار نیست. این مبارزه ای است که پیروزی در آن، هر اندازه که مختصر هم باشد، ملموس و محسوس است و به همان اندازه به سیر مبارزه شتاب بیشتری خواهد داد. این مبارزه ای است که پیروزی در آن، تقویت بنیه مبارزاتی و سطح عالی تری از تشکل و آگاهی و ایمان طبقاتی را برای کارگران به ارمغان میآورد.

مبارزه علیه بیکاری مبارزه ای است که کارگران را حتی با صرف انگیزه های شخصی بسوی خود می کشاند و در عین حال این قابلیت را دارد که عرصه آگاه ترین بخش های طبقه کارگر نیز باشد چرا که صرف نظر از اهمیتی که در پیروزی مبارزات انقلابی امروز دارد، میتواند تا پیروزی سوسیالیسم زنده و پر حرارت بماند.

بیکاری که مشکلی دائمی برای طبقه کارگر است، اکنون ابعاد وحشتناکی در سراسر جهان یافته است. برای کارگری که آنرا از زاویه منافع کل طبقه نمی نگرد بیکاری مشکلی شخصی و موقت می نماید که به نظر او با کوشش شخصی و فردی قابل حل است. چنین کارگری بر خلاف ما ابتدا برلطمات جبران ناپذیری که بیکاری میلیونی بر توان مبارزاتی طبقه اش و در نهایت به ملزومات پیروزی انقلاب و رهایی اش وارد میکند، واقف نیست. اما بحران عظیمی که جهان سرمایه داری را فرا گرفته است و بیکاری وحشتناکی که دم به دم افزوده میشود او را از یافتن راه



ادامه به علیه بیکاری

معینی به کار مشغول است. سعی ما باید این باشد کارگران در تمامی این اماکن و محلات در زیر چتر فعالیت مستمر ما قرار بگیرند. کارگران در هیچ محله و فابریکی نباید در مقابل بورژوازی بی دفاع و بی رهبر بمانند؛ در هیچ محله و فابریکی نباید مبلغان بورژوازی خود را فارغ و آسوده از تبلیغات آگاهگرانه پرولتری ببینند. در هیچ محله و فابریکی نباید سازمان های بورژوایی از شر فعالیت مداوم سازمانهای کارگری در امان باشد. در هیچ محله و فابریکی نباید نوکران و خادمان بورژوازی بدون ترس از افشاگریهای تشکل های کارگری زندگی کنند...

تنها در صورت تداوم این جمع از فعالین پیگیر است که کارگران آگاه خواهند شد و بزیر پرچم رهبران خود گرد میایند و تحقق چنین امری جز از طریق فعالیت مداوم واحدهای مبارزاتی محلی و فابریکی کارگران مقدور نیست. در غیاب فعالیت شبانه روزی این واحدها، از انتشار هزاران نسخه نشریه و انواع "فعالتهای" اینترنتی توفیقی حاصل نخواهد شد.

"علیه بیکاری" از تک تک دوستان خود میخواهد به اتفاق چند نفر از یاران مورد اعتماد خود در محلات بنا به پلانقرم و مرام نامه شوراهای بیکاران دست بکار شوند.

در عام ترین شکل وظایف این جمع را میتوان در چهار عرصه بر شمرد:

اول، کوشش در آگاه کردن کارگران و زحمتکشان در حوزه عمل خود، که بنوبه خود اساسا حول توزیع نشریه "علیه بیکاری" و در تکمیل مندرجات آن صورت میگیرد. چند نکته در این مورد قابل ذکر است.

الف: محتوای ماتریال تبلیغی و ترویجی علاوه بر توزیع منظم نشریه علیه بیکاری، خنثی کردن اثرات عوامفریبی بورژوازی در محل و مبارزه با سوء تعبیرها و بدفهمی های کارگران را نیز در بر میگیرد.

ب: تبلیغ و ترویج باید مکان و جایگاه معین و تعریف شده ای در کل سیاست تبلیغی و حرکات جمع مبارزاتی داشته باشد، لذا باید اکیدا از حرافای و پرگویی و هر عملی که در بلند مدت حساسیت و توجه به تبلیغات جمع را کاهش دهد پرهیز نمود.

پ: باید از پراکنده کاری، موقت کاری و بقولی کار "دیمی"

در عرض یکی دو ماه هم به نتیجه نرسد. نباید تصور کنیم فرصت از دست رفته است و دیگر برای دست بکار شدن دیر است. نگرانی از اتمام فرصت چندان عاقلانه نیست، چرا که توده عظیم کارگر در کارخانه ها و محلات دائما در حال مبارزه، خیزش و چاره جویی هستند. آنچه باید نگرانیش باشیم اتمام وقت نیست، بلکه اتلاف وقت است. باید راه را تشخیص دهیم و از هر دقیقه برای پیشروی استفاده کنیم. دست یابی کارگران به سازمان یابی جدید و به ابزار مبارزه عالیتر خود مستلزم بوجود آمدن تغییراتی پیچیده در سطح آگاهی، شعور سیاسی، ادراکات ذهنی، تجربه، روحیه مبارزاتی، اتحاد و همبستگی آنان است و بنابراین کار پیگیر و پر حوصله و خستگی ناپذیر را طلب میکند.

کاری که برای بوجود آوردن یک سازمان لازم است تنها "سازماندهی" نیست. بلکه همه وجوه کار سیاسی اعم از تهییج و ترویج و سازماندهی را در بر میگیرد. امروز که بزرگترین مانع در مقابل متشکل شدن کارگران در ارگانهای قدرت توده ای عدم ایمان آنها به قدرت و رسالت طبقه خودشان است، از میان برداشتن این سد مستلزم کار مستمر ترویجی، تهییجی و سازماندهی انواع و اقسام دیگر مبارزه است.

پروسه دست یابی به یک تشکیلات قدرتمند توده ای پروسه پیچیده ای است که بجز پیگیری، قابلیت بعهد گرفتن هر نوع کار مبارزاتی را از ما طلب میکند. برای شوراهای بیکاران که یک سازمان توده ای و علنی است باید در مقطع کنونی یک جمع سازمان یافته مخفی و متشکل از عناصر زبده و مارگزیده داشته باشیم، همانطور که برای ساختن یک آسمانخراش در مرحله ای باید گود برداری کرد. این پیچیدگی ها و سختی ها نباید ما را نومید کند. باید بتوانیم در هر مرحله مشکلات را بدرست تشخیص دهیم و از بهترین راه و بطور نقشه مند موانع را از پیش پا برداریم.

چند رهنمود اساسی

کار مبارزاتی همه ما مشکل و پیچیده است و دم به دم اشکال جدیدی به خود میپذیرد. لکن یک چیز محرز است و آن این است که موضوع کار ما همواره طبقه کارگر است. طبقه کارگر طبقه معینی است که در مکانهای معینی زندگی میکند و در مکانهای

با "علیه بیکاری" تماس بگیرید!

بخوانند و آنرا دوست خود بدانند. ما میفواهیم مبشر سازمان یابی و اتماد کارگران، و عمای دست فعالین کارگری در اینراه

باشیم. info@a-bikari.com

ادامه به علیه بیکاری

توجه آنها باید رهنمودهای عملی داد و باید عمل کرد. باید بتوان در هر مقطع به توده ها گفت چه باید بکنند. خود جمع رهبران بعنوان پیشاهنگ باید دست به کار سازماندهی این حرکات و از میان برداشتن موانع پیش روی آنها باشد.

از سازماندهی تجمع در مقابل ادارات کارایی، برگزاری میتینگ و راه پیمایی، احظار مسئولین حکومتی تا رفتن دسته جمعی به سراغ شوراهای کارگری فابریکها و سخنرانی در مجامع عمومی کارگری، سخنرانی در مراکز تجمع بیکاران و ده ها شیوه دیگر اعمالی است که باید به منظور جلب حمایت و اعتماد توده ها و کسب پشتیبانی آنان صورت بگیرد و همه آنها نیاز به سازماندهی، طرح، نقشه و افراد کارآزموده و قابل دارد.

انجام این ها همه از وظایف جمع مبارزاتی اولیه ایجاد شوراهای بیکاران محسوب می شود. در ابتدای نوشته این اقدامات و گامها را "گود برداری" اولیه در راه ساختن یک آسمان خراش نام نهادیم. بعهدہ گرفتن این نوع وظایف بیشک حد معینی از توانایی تشکیلاتی را ایجاد می کند، همانطور که گفتیم باید از طریق جذب و سازماندهی پیشروترین کارگران متحقق شود.

چهارم، تماس با "علیه بیکاری"

علیه بیکاری فعالیت سازمانی و هیچ گونه تشکیلاتی در ایران ندارد. اما خواهان آن است و اکیدا از فعالین این عرصه می خواهد با نشریه علیه بیکاری تماس داشته باشند. نشریه علیه بیکاری می خواهد آینه تمام قد "غریب بیکاری" و سخنگوی شایسته جنبش "علیه بیکاری" در ایران، عصای دست فعالین کارگری در تمام عرصه های فعالیتی آنها و تسمه نقاله انتقال تجارب و نقطه نظرات این فعالین باشد.

(اقتباس از مندرجات شماره دوره قدیم 11 نشریه علیه بیکاری، به تاریخ آبان 1360)



مطلقا دوری جست. شیوه هایی از قبیل ریختن اعلامیه ها در خیابان و یا انداختن نشریات از بالای دیوار به هیچ وجه تامین کننده منظور ما نیست. لازمه توفیق در "آگاهی دادن" استمرار آن است. بنا بر این باید شیوه هایی را برگزید که تضمین کننده رسیدن تبلیغات ما بطور مستمر و هدفمند بدست عده معین از کارگران باشد. باید کمیت را فدای کیفیت کرد و این لااقل در شروع کار پیش شرط آگاه کردن کمیت های بیشتری از توده ها است.

دوم، جذب و سازماندهی آگاهترین و مبارزترین کارگران و زحمتکشان محل

اگر باسواد کردن میلیون ها انسان بی سواد مشتاق یادگیری تنها با رساندن کتاب کلاس اول دبستان به دست آنها ممکن باشد آموختن علم مبارزه به کارگران و زحمتکشان هم تنها با دادن یکی دو نشریه به دست آنها عملی است!! در حالیکه بخوبی میدانیم چنین نیست. حتی آموختن الفبا به استمرار، پیگیری، نظم و انضباط، سر و کله زدن، تشویق کردن، امر و نهی کردن، یاد دادن و به امتحان کردن و غیره نیاز دارد.

نارضایتی از حکومت فعلی در بین کارگران وسیعا رواج دارد و به برکت مبارزات انقلابی مردم ایران بسیاری از کارگران با گوشه هایی از این مبارزه طبقاتی کم و بیش آشنا شده اند و تعداد کارگرانی که خود مشتاق فراگیری و آشنایی بیشتر با ایدئولوژی طبقه خود هستند، ادا کم نیست. توصیه می کنیم که در شروع کار به جای دست زدن به تبلیغات "دیمی" که مستمئینش را اتفاق و تصادف تضمین می کند، با توجه به امکانات خود مثلاً با ده بیست نفر از این کارگران ارتباط نزدیک برقرار شود، تبلیغ و ترویج خود را عاقدانه بر روی آن جمع متمرکز نمود، و با تربیت و جلب آنان به همکاری، فاز بعدی را به کمک آنان و بر روی عده بیشتری از کارگران محل آغاز کرد. به این ترتیب مرحله به مرحله همراه با افزایش امکانات خود میدان وسیع تر و عرصه تضمین شده ای را برای کار آگاهانه جمع به وجود آورد.

سوم، پیشبرد و رهبری مبارزه کارگران در حوزه فعالیت

باید بگوییم که راه رسیدن به اتحاد کارگری علیه بیکاری و شوراهای بیکاران با یک قدم طی نمی شود. مبارزه عملی انواع و اقسام اشکال را به خود می پذیرد. جمع مبارزاتی کارگری باید در حوزه فعالیت خود کنترل کننده، مبتکر و رهبر همه حرکات اعتراضی و مبارزاتی توده ای بر علیه بیکاری، و پرچمدار مبارزه برای دفاع از سطح معیشت کارگران و زحمتکشان باشد. آنجا که به خط کردن توده هاو به حرکت در آوردن آنها مدنظر است تبلیغ و ترویج به تنهایی کاری از پیش نمی برد. برای جلب

در آذر ماه خورشید دو بار طلوع کرد ...



در آذر ماه خورشید دو بار طلوع کرد ...
 بار اول در خیزش ده ها شهر و با خواست نان و آزادی، و بار دوم در اعتراضات دانشگاه ها و با طنین: "فرزند کارگرانیم، در کنارشان میمانیم"؛
 بار اول در جنگ و گریز نابرابر در خیابانها، و بار دوم در فستیوال پرولتاریایی در دژ "آزادی و برابری" ایران!

خیزش آبان - آذر چنگ عصیان در گریبان دستگاه سرکوب انداخت، فریاد نارضایتی و خشم انباشته آن، دهها شهر را روی سر گذاشت؛ بیشمار خیابان و رهگذر هنوز برای بی تابی تا مرز دیوانگی در مصاف با جنایت و توطئه جبونانه و ردالت پیشگی اسلامی سرمایه را تنگ یافت... این خیزش درست در امتناع از ادامه جنگ نابرابر به دانشگاهها عقب نشست.

اعتراضات دانشجویی نه فقط ادامه جوهر حق طلبانه کارگری سراسری بلکه خون تازه تری در رگهای جنبشی است که برای رهایی از حکومت اسلامی سرمایه و در راه آزادی و رهایی از فقر و نابرابری و استثمار از تپش نمیافتد. اعتراضات محیط های دانشگاهی با رد سیاستهای متعفن و رسوای سازشکارانه و نیمبند، نه فقط پرچم خیزش کارگران و انقلابی را در اهتزاز نگه داشتند؛ بلکه با حفظ خونسردی مجال دسیسه دستگاه سرکوب را هوشیارانه بسته اند.
 اعتراضات دانشجویی ادامه جسورانه رژه جوانان محلات زحمتکش نشینی است که کوله بار عصیان و عطش خاموش نشدنی برای رهایی را با کلاه سرخ ژاکوبینی با خود همراه دارد:

آخرین کلام ما همیشه و در همه جا این خواهد بود، رهایی طبقه کارگر!
 ستایش ما از این فرزندان آذر ماه سرکشی کارگران مرزی نمیشناسد...



دسیسه دائمی دولت و ساختار دولتی در حمله به دستمزد و معیشت یک آن طبقه کارگر را تنها نمیگذارد. اینجا صدقه سر دولت دستمزدها تا پنج شش برابر خط جهمی فقر قانونی است، تمرّد و اعتراض بر علیه آن با گلوله و زندان پاسخ میگیرد؛ و در این میان بازی کثیف یارانه ها "عملیات ایدایی" و نقشه آگاهانه بورژوازی و دولت آن است که مانع شود طبقه کارگر زیر فشار دائمی کابوس معیشت کمر راست کند، سر بلند کند و به موقعیت خود احاطه یابد و چاره ای بیاندیشد. هدف بورژوازی تثبیت این حکم است که کارگران خیال خلاصی از دوندگی و مرگ تدریجی را از سر بدر کنند.

در یک کلام، دستمزدهای معوقه به معنای بازی قانونی کارفرما با معیشت کارگران، اینبار در ابعاد بزرگتر و جنایتکارانه در دستور دولت قرار گرفته است. دولتی که پنجاه میلیون شهروند خود را در اسارت فقر و تباهی با غل و زنجیرهای قانون کار به قربانگاه سرمایه برده است، سرگرم سازمان دادن بینوایی در صف انتظار

مضحکه یارانه ای علیه معیشت طبقه کارگر

در عرض یکی دو ماه چیزی بنام "حمایت معیشتی" به کلکسیون سنگرهایی که کارگر و خانواده کارگری باید برای معیشت خود شمشیر بزند، اضافه شده است. هنوز جوهر انتشار کد بانکی آن خشک نشده بود که نوبت یارانه بنزین رسید. شمار این یارانه ها، سیدهای کالایی و سرانه ها؛ موعد و شرط و شروط برخورداری، کانال شکایات و رقص مستهجن "بدهم یا ندهم" باسن های فربه در مجلس و دولت، دیگر به یک بازی کثیف تمام عیار، یک سرگرمی سخیف و شرم آور برای مسئولان تبدیل شده است. مستقل از تعزیه چرخانی ریاکارانه بحال "دهک های پایین جامعه"، یارانه ها یک سیاست رسمی ضد کارگری در حمله به معیشت و حرمت طبقه کارگر است.

در ایران دستمزدهای پنج شش برابر زیر خط فقر آنهم زیر پرچم قانون بس نبود، اهرم های تورم و گرانی بس نبود، توطئه و



ادامه مضحکه یارانه ای

سوبسید و یارانه ها نه با خواست کارگران، بلکه توطئه و دستاویز بورژوازی به منظور حمله به خود کارگران و مردم زحمتکش است. بنا به اصل طبقاتی کارگری، دولت موظف به تامین و در دسترس قرار دادن مایحتاج خوراکی، مسکن، تاسیسات فعالیتهای پایه زندگی (رختشویی و آشپزی، نگهداری سالمندان و ...)، بهداشت و درمان است. این اهداف نه یک خواب و خیال و رویای انسانی بلکه بر یک محاسبه ساده ریاضی و صد البته به یک ذات شرافتمندانه انسانی استوار است. همان مخارجی که صرف تبلیغ و توجیه و استقرار دوایر سوبسید و محروم نگهداشتن دهها میلیون مردم زحمتکش میشود، همان مخارجی که صرف سرکوب و خفه کردن صدای اعتراض محرومان میگردد، همان مخارج حقوق و نگهداری لوکس و خفت آور آقایان انگلهای جامعه میشود، صد بار نیازهای این جامعه را تامین میکند.

ایران باید یک بار برای همیشه از شر توحش مناسبات و دولت حافظ منافع سرمایه رهایی یابد. تا آن زمان، برای خلاصی از یاهو گویی هم که شده، باید برنامه غذای هفتگی نخست وزیری در پخش مستقیم تلویزیونی مبنای تامین و توزیع مواد غذایی برای همه آحاد جامعه قرار بگیرد؛ و هر جا پرداخت یارانه در دستور قرار گرفت، اول و حتما، با پرداخت سهم یارانه - صدقه مربوطه، دهان اعضای دولت، نمایندگان مجلس و البته خانه کارگر گِل گرفته شود.

مبارزه طبقه کارگر برای دستمزد و بیمه بیکاری گامهای استوار و فوری در راه لگام زدن به نظام منحط و واژگونه مبتنی به کار مزدی است. در این کشمکش طبقه کارگر، بعنوان یک طبقه، در مقابل کل طبقه سرمایه دار؛ نه در هیئت یک کارگر مزدی، بلکه بعنوان خالق همه ثروتها میایستد.



نشریه علیه بیکاری

مدیر مسئول: سیوان رضایی

تماس: آدرس ایمیل

info@a-bikari.com

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

یارانه ها، و آنهم بطور قسطنی، دلبخواهی و دائما معوقه است.

همه واقف هستند که دستمزد کارگر محدود به پولی که در موعد مقرر از طرف کارفرما پرداخت میشود نیست. سالها مبارزه طبقاتی صرف تحمیل توقعات و نیازها، مسکن و بهداشت، مدرسه کودکان و تفریحات به کارفرما و ضمانت اجرایی دولت شده است. در جمهوری اسلامی وصول همان چندرغاز دستمزد اسمی نیز به کرام الکاتبین حواله شده است. امروز حکومت بورژوازی در ایران نه یک مظهر هر چند صوری و فریبنده از ثبات و نظم و قانون بلکه یک ساختار باند سیاهی در حمله به معیشت و دار و ندار کارگران و مردم زحمتکش است.

... امروز به زحمت میتوان سراغ جمعیت "کارگر" را در ادبیات رسمی دولتی سراغ گرفت؛

... امروز کارگر در ایران شاغل یا بیکار، زن یا مرد نیست. بزعم بورژوازی طبقه کارگر را در دسته های فقرا و بینوایان، کارتن خوابها، معتادین و تن فروشان، کودکان کار، یارانه بگیر، مشمول صدقه، معلول، بی سرپرست، بی خانمان، اخراجی و قرارداد سفید و ... میتوان سراغ گرفت که سوار بر یک تخته پاره به هر شاخ و خاشاکی چنگ میاندازد؛

... امروز سر نخ کارگر و خانواده کارگری را هر چه بیشتر نه در رابطه با کارکرد و مصوبات وزارت کار بلکه عمدتا در رابطه با کمیته امداد امام و اداره بهزیستی شهرداری میتوان جست؛

... امروز مفهوم خانواده کارگری و با تقسیم بندی نان آور و کودکان و مادر جای خود را به یک تکاپوی مشترک جانکاه داده است که در قدم اول خود نفس بقا هر گونه منفذی را بر روی زندگی پایه انسانی، محبت و همدردی مسدود کرده است.

بحث بر سر یک جمعیت پنجاه میلیونی، اکثریت آن جامعه است، که با کار و بیکاری خود چرخهای تولید را در یک منطقه سوپر صنعتی و ثروتمند در چرخش نگه داشته اند. در این میان هیچ چیز مسخره تر از ادعای عدالت و تقسیم عادلانه ثروت و امکانات جامعه از جانب جمهوری اسلامی و دستگاههای حکومتی نیست. هیچ چیز کریه تر از صحنه دو قورت و نیم باقی "عدالت پروری" از طرف سازمان دهندگان جهنم استثمار بورژوازی نمیتواند باشد.

بنا به یک اصل طبقاتی کارگری، جامعه موظف به تامین نیازهای پایه ای همه شهروندان جامعه است. هیچ کس نباید گرسنه و بی سرپناه بماند. همه باید بدون توجه به درآمد و دارایی خود، به یکسان از درمان و بهداشت عمومی و مجانی جامعه برخوردار گردند.